



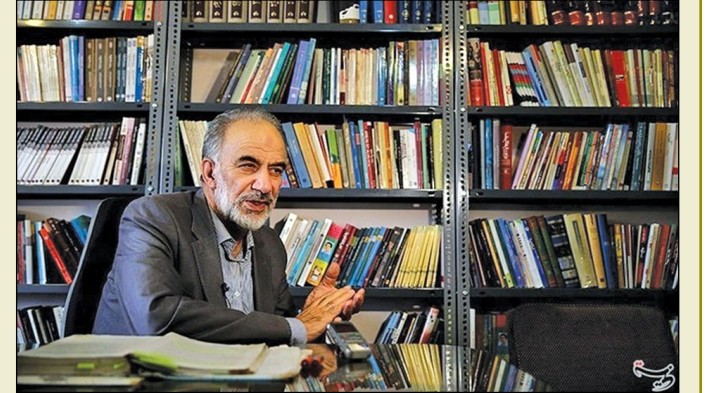
مقاومت در فضای مجازی

پایه‌گذار مکتب تاریخ‌نگاری در دفاع مقدس

اترنام‌ای مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، به مناسبت اولین سالگرد درگذشت «ابراهیم حاجی محمدزاده» نوشت: سردار «ابراهیم حاجی محمدزاده» دوران نوجوانی و جوانی را در مشهد گذراند. بعد از قبولی در دانشگاه به تهران آمد و در رشته مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت تهران به تحصیل علم مشغول شد. از همان دوران بغض و کینه نسبت به ظلم و ستم رژیم شاهنشاهی در وجودش شعلور شد و او را به صف مبارزان علیه این رژیم محسوس کشاند. در ابتدا عضو سازمان مجاهدین خلق بود، اما وقتی که متوجه انحراف فکری و عملی این سازمان شد، صف خود را از آنان جدا کرد و این باعث شد که جان وی نیز بخاطر انتقام‌گیری اعضای سازمان از وی به خطر افتد. ازطرف دیگر بخاطر فعالیت‌هایش علیه رژیم، مجبور بود مخفیانه برای مدتی به زندگی و مبارزات خود ادامه دهد تا اینکه توسط ساواک دستگیر شد.

وی حتی در زندان نیز دست از پرورداری از نیات شوم سازمان منافقین برنداشت و به همین خاطر توسط عناصر سازمان در زندان، بارها مورد اذیت و آزار قرار گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، وی جزء موسسین و شورای فرماندهی سپاه بود و دفتر سیاسی سپاه به اعتبار وی تأسیس شد. از جمله ابتکارات مهم و بنیادین وی که ناشی از دید بالا و آینده‌نگر وی بود، رانداندازی بخش جنگ در دل دفتر سیاسی سپاه بود که بعدها به مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و سپس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس تغییر نام داد.

وی معتقد بود: «بالاخره جنگ تمام می‌شود و معلوم هم نیست ما بعد از جنگ باشیم، یا نباشیم، چه کسی می‌خواهد تاریخ جنگ را بنویسد.»



بنابراین یکی از اقدامات ارزشمند او تشکیل گروهی به منظور ضبط و ثبت مستندات جنگ به صورت زنده، در قالب صوت و تصویر و از دل اتفاقات جنگ و صحنه‌های عملیات‌ها بود که گنجینه ارزشمندی را از آن دوران پرافتخار به منظور تحقیق و تفحص علاقمندان به هشت سال دفاع مقدس به یادگار گذاشته است و به همین خاطر است که سردار سرلشکر «سلامی» فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم ختم او می‌گوید: «مروز مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در مجموعه سپاه پاسداران، میراث گرانبهائی است که از آن مرحوم به جای مانده و صدها راوی از دفاع مقدس تربیت کرده است.»

از جمله اقدامات ماندگار دیگر وی تدوین و چاپ بولتنی به نام «رویدادها و تحلیل‌ها» بود که با بررسی حوادث سیاسی و امنیتی روز، نقش قابل توجهی در بصیرت افزائی و تقویت دانش سیاسی پاسداران داشت. یکی از ویژگی‌های بارز مهم محمدزاده عشق و ارادت فراوان وی به ابعاد شخصیتی و فکری امام خمینی(ره) و تکیه فراوان وی به کتاب صحیفه نور ایشان بود. در این خصوص «حسین شریعتمداری» مدیر مسئول روزنامه کیهان می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های برجسته وی این بود که روی صحیفه امام(ره) کار می‌کرد. در حقیقت ما به آقای حاجی محمدزاده «صحیفه مترجم» می‌گفتیم.» سرانجام این مجاهد عرصه پژوهش و تحقیق دفاع مقدس در ۲۹ آبان ماه سال ۱۳۹۸ پس از طی یک دوره بیماری ناشی از دیابت دارفانی را وداع گفت.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد



زخمی شده بود.
پایش را گچ گرفته بودند و توی بیمارستان میروان بستری بود.
بچه‌ها لباس‌هایش را شسته بودند.
خبردار که شد، بلند شد برود لباس‌های آنها را بشوید.
گفتیم: «برادر احمد، پاتون رو تازه گچ گرفتند، اگه گچ خیس بشه، پاتون عفونت می‌کنه!»
گفت: «هیچی نمی‌شه.»
رفت توی حمام و لباس همه بچه‌ها را شست.
 نصف روز طول کشید.
گفتیم: الان تمام گچ، نیم برداشته و باید عوضش کرد.
اما یک قطره آب هم روی گچ نریخته بود.
می‌گفت: «مال بیت‌المال بود، مواظب بدم خیس نشه.»

یادگاران، کتاب حاج احمد متوسلیان، ص ۳۰، انتشارات روایت فتح

یک شهید، یک خاطره

اولین عکس

مریم عرفانیان

معصومی، علی آبادی، تاجیک و غلامعلی حیدری دوستانی بودند که همگی به کمک اهالی در ساخت مسجد روستا کمک می کردند. غلامعلی، حین کار همیشه به آنها می گفت:

– «اولین عکس شهیدی که پس از ساخت مسجد، این‌جا نصب بشه، عکس من است.»

هنوز ساخت مسجد روستا تمام نشده بود که عکس شهید غلامعلی حیدری را بر دیوار مسجد نصب کردند، بعد از آن هم عکس شهدا تاجیک، معصومی و علی آبادی را.

خاطره‌ای از شهید غلامعلی حیدری

راوی: برادر شهید



مطرح بود. آن ایام بحث‌های آقای جوادی آملی را دنبال می‌کردیم، ایشان در بحث از کثرت به وحدت رسیدن عالم امکان تأکیدی داشتند. این بحث‌ها در دوران اصلاحات در ذهن من چرخ می‌خورد. یک بار سرر کلاس دکتر بومد ایشان فرمول جاذبه بین دو بار الکتریکی یا فرمول رابطه بین دو جرم را استفاده کرد، بعد فرمول‌های مشابه را کنار هم چید و خیلی فشنگ گفت وحدت را می‌پسیند؟ در آن فضا برای ما خیلی جالب بود. آن زمان در ذهنم این بحث را به صحبت‌های آقای جوادی آملی شباهت دادم. بعدها از همسرشان شنیدم که دکتر بحث‌های فلسفی و عرفانی آقای جوادی آملی را دنبال می‌کردند.»

دکتر مجید شه‌پری‌اری از سالل ۸۳ تا زمان شهادت به عنوان نماینده دانشگاه شهیدبهشتی، در امور اجرایی پروژه‌های تحقیقاتی با سازمان انرژی هسته‌های همکاری می‌کرد. ایشان همچنین عضو انجمن هسته‌ای ایران، عضو شورای آزمایشگاه و شورای فناوری دانشگاه، و عضو کمیته تخصصی فنی و مهندسی هبیت مزیزه بود. در حال حل مدیریت گروه کاربره پروتوها و مشاور جمهوری اسلامی ایران در پروژه سرمازی و برگزاری چهار کمیته علمی و کارگاه آموزش را در کارنامه علمی خود داشت.

برای همین تلاش‌ها و مجاهدت‌های برتر هم بود که نامش در لیست سپاه اسرائیل قرار گرفت. دشمن به فکر حذف فیزیکی او بود تا بتواند به این روش جلوی پیشرفت علمی ایران اسلامی را بگیرد. پس ترورست‌های همکار رژیم صهیونیستی و سازمان منافقین او را در تاریخ هشت آذر ۱۳۸۹ مورد هدف قرار دادند و به شهادت رساندند. در حالی‌که در روز تشییع جنازش تعداد زیادی از دانشجویان مهندسی دانشگاه‌های شهید بهشتی، شریف و… اعلام کردند که برای ادامه راه او خواهان تغییر رشته و تحصیل در رشته فیزیک هسته‌ای هستند.

۱- نظریه پولواریسم دینی توسط «جان هیک»- متولد ۱۹۲۲م- مطرح شده است. او در نظریه‌اش بیان می‌کند که «حقیقت» رستگاری در دین وپژای وجود ندارد، همه ادیان بهراهی از حقیقت مطلق و غایت وجود دارند، در نتیجه پیروی از برنامه‌های هر یک از آنها می‌تواند مایه نجات و رستگاری انسان باشد. براس این نزاع حق و باطل از میان ادیان رخت بر بسته، خصومت‌ها و نزاع‌ها و مجادلات دینی نیز جای خود را به همدلی و همسویی می‌دهند.»
علمای بسیاری در جهان اسلام و به‌ویژه علمای بزرگ حوزه علمیه که به شهات مطرح شده در این نظریه پاسخ‌های کامل و جامع داده‌اند.

کتاب- «شهید علم»- دانشمند شهید دکتر مجید شه‌پری‌اری در رنه خاطرات- دفتر نشر معارف، چاپ ۱۳۹۸
۲- کتاب «هستاد» (خرده روایت‌های زندگی استاد شهید دکتر مجید شه‌پری‌اری، به نوشته فاطمه شایان پویا، انتشارات شهید کاظمی، چاپ ۱۳۹۸
۳- مصاحبه با مادر شهید شه‌پری‌اری خبرگزاری آنا

می‌رسانند.
دین خواب پیامبر
سید عزیزالله یک شب در عالم رو حضرت محمد(ص) را به خواب می‌بیند که به او می‌فرماید چرا ناحتی؟ شهید گفت: دلم برای برادر شهید کشیده شد گند.
پیامبر فرمودند نگران نباش به زودی او را ملاقات خواهی کرد.
سید عزیزالله می‌گوید شه‌پری‌ارد زنده یا به کشتن فرامنده گردان امام حسن(ع) جناب خداداد مصطفی‌زاده در یک وات‌لندکروز پشت سر بروهوا در روی جاده اهواز-خرشهر در حرکت بودیم و شهید سید عزیزالله و برادر جمشید کنایی با یک دستگاه لندکروز پشت سر ما می‌آمدند نمی‌دانم یکباره قلم به تیش افتاد و دلهره امانم را گرفت گویا خطر را برای سید حس کردم و گاهی‌به به عقب برمی‌گشتم و می‌خواستم به شهید بگویم دعا بخوان اما هر گاه نگاه می‌کردم لب‌هایش در حالت مناجات و ذکر و دعا بود. از جاده آسفالت جدا و به خط مقدم نزدیک‌تر می‌شدیم، غروی غمبار بود. دیدم‌هاتان دشمن ما را دیده بودند. ابتدا چند گلوله توپ به اطراف ما شلیک شد ولی ما به مسیر ادامه دادیم و سعی می‌کردیم خود را به خط مقدم رسانیم. که ناگاه گلوله توپ دشمن بین ماشین‌هایمان به زمین خورد و ماشین ما پاره‌پاره شد قرار داد و به دیار معبود شتافت. صورت زیبایش را بوبیدم بوی بهشت می‌داد... در یک لحظه خود چند روز پیش سید را تعبیر شده دیدیم. اری سید عزیزالله شهادت را چه خوب معنا کرد.»

بخش‌هایی از وصیتنامه پاسدار شهید سیدعزیزالله میرسالاری:
«با اعتقاد به اینکه این انقلاب الهی بوده و زمینه‌ساز قیام آخرین ذخیره الهی حضرت حجت ابن الحسن (عج) خواهد بود و موسسای زمانمان را که خود به حقیقت ولای‌فقیه مسلمین است و جانشینی یقیباله اعظم را بعهده‌دار است تأیید می‌کنم و به وجودش افتخار و تا آخرین نفس در راه اهداف مبارک جانشانی می‌کنم...
می‌خواهم که همواره روحانیت معظم و سپاه پاسداران ولایتی و امت شریف حزب‌الله پشتپناه خوبی برای خانواده شهدا باشند و همواره شهیدای اسلام از امام حسین(ع) گرفته تا شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را برای هدایت خود سرمشق قرار دهند»...

پیام فرزندان شهیدان
سخن آخرمان پیام فرزندان شهیدان میرسالاری به نسل جدید است.
پیام سید ابراهیم میرسالاری فرزند شهید سیدعزیزالله میرسالاری به مردم و به ویژه جوانان در حال حاضر: «ولایت‌فقیه به زمان و نایب امام زمان(عج)، حضرت ابی‌الله خاتم‌های و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هیچ موقع تنها نگذارید که عزت و ولایت‌فقیه ما را برود و مردم را به خون شهدا احترام نگذارید چون در آخرت ما باید جایگویی شهدا باشیم».

پیام بی‌نظیر دختر شهید
و سرانجام ختم این ختام این شهادت‌نامه را پیام بی‌نظیر سیده مدینه میرسالاری(ساداتی) دختر بزرگوار شهید سید ابوالحسن میرسالاری(ساداتی) خطاب به دختران امروز و احاد مردم قرار می‌دهیم:
پیام سید ابراهیم میرسالاری فرزند شهید سیدعزیزالله میرسالاری به مردم و به ویژه جوانان در حال حاضر: «ولایت‌فقیه به زمان و نایب امام زمان(عج)، حضرت ابی‌الله خاتم‌های و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هیچ موقع تنها نگذارید که عزت و ولایت‌فقیه ما را برود و مردم را به خون شهدا احترام نگذارید چون در آخرت ما باید جایگویی شهدا باشیم».

پیام بی‌نظیر دختر شهید
و سرانجام ختم این ختام این شهادت‌نامه را پیام بی‌نظیر سیده مدینه میرسالاری(ساداتی) دختر بزرگوار شهید سید ابوالحسن میرسالاری(ساداتی) خطاب به دختران امروز و احاد مردم قرار می‌دهیم:
پیام سید ابراهیم میرسالاری فرزند شهید سیدعزیزالله میرسالاری به مردم و به ویژه جوانان در حال حاضر: «ولایت‌فقیه به زمان و نایب امام زمان(عج)، حضرت ابی‌الله خاتم‌های و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هیچ موقع تنها نگذارید که عزت و ولایت‌فقیه ما را برود و مردم را به خون شهدا احترام نگذارید چون در آخرت ما باید جایگویی شهدا باشیم».



ساده شان در خوابگاه ماتهلی دانشگاه تا سال هشت آذر ۱۳۸۹ و روز شهادتش برای همه بارها و بارها آتبات شد.
کد محاسباتی راکتور هسته‌ای و پولواریسم دینی
بعد از اینکه دکتر شه‌پری‌اری در سال ۷۱ از پایان نامه فوق لیسانس خود با نمره ممتاز دفاع کرده به دلیل کسب رتبه اول، با استفاده از آیین نامه دانشجویان رتبه اول، در دوره دکتری علوم و تکنولوژی هسته‌ای دانشگاه صنعتی امیرکبیر پذیرفته شد. تحصیلات دوره دکتری خود را هم با نبوغ و سخت‌کوشی‌ای که داشت با موفقیت تمام در سال ۱۳۷۷ به پایان رساند و از آبان همان سال هم به عنوان عضو هیئت علمی در دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر مشغول به تدریس شد.

البته به دلیل وجود اختلاف نظر‌هایی که دکتر شه‌پری‌اری در دانشگاه امیرکبیر با برخی مسئولین وقت دانشگاه داشت در سال ۱۳۸۰ تا آنجا استعفا داد و به دانشگاه شهید بهشتی رفت.

از این دوره بود که خلاقیت علمی و کارهای خارق العاده ایشان در رشته انرژی هسته‌ای خودش را نشان داد. برگزاری دوره‌هایی چون «کارگاه آموزشی آشنایی با کدهای محاسباتی راکتورهای هسته‌ای» یکی از کارهای ماندگار علمی دکتر شه‌پری‌اری در دانشگاه شهید بهشتی بود. یکی دیگر از طرح‌های مهم علمی او در این دانشگاه، طراحی‌های توربین مربوط به ساخت نسل جدید راکتورهای هسته‌ای بود که بازتاب زیادی نیز در مراکز علمی جهان پیدا کرد.

آن وقت این نغدغه‌های علمی ایشان را از مباحث اعتقادی غافل نمی‌کرد. مثلاً یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: «سال ۷۸، ۷۷ یا ۷۸ بحث‌های پولواریسم دینی ا تعریف می‌کند: «سال ۷۸، ۷۷ یا ۷۸ بحث‌های پولواریسم دینی ا

ذکر شده که نصاب‌عین قرار دادن آنها برای مسئولان بسیار واجب است:
«ما چند وصیت به مسئولین دارم ۱- سلام مرا حتماً به امام عزیزم خمینی کبری برسانید. ۲- تقوایان را حفظ کنید تا دچار ضعف و نابودی نشوید. ۳- رابطه‌ها را کنار نگذارید و جای آن ضابطه قرار دهید. ۴- حق زیبردستان را نخورید. ۵- به مستضعفین بیشتر رسیدگی کنید. ۶- اما تکیه بنده در اینجاست که اموال بیت‌المال را در راه فسخی به کار نبرید و به بیت‌المال بیشتر رسیدگی کنید خصوصاً رانندگان ادارات».

بخش‌های دیگری از وصیتنامه شهید:
«برادران و مادر ما گر یام من می‌کنید هم را یاران امام حسین(ع) آن حضرت که سرش را از تن جدا کردند یاد کنید و بادی از جسم سوخته بهشتی و رجایی و باهنر کنید. جان من از جان این‌ها شیرین نیست...
خواهران عزیزم از شما می‌خواهم که مانند حضرت زینب(س) استوار محکم و باحجاب باشید و امیدوارم در پیش حضرت زینب(س) رؤسید باشید...
شما مدیون خون شهدا هستید و وظیفه شما در مقابل این خون‌های پاک، بندی که خدا و عمل به اسلام و حفظ وجهه انقلاب اسلامی است...
بزرگ‌ترین پیام ما این استست که دستت از ماه تابان، امام



یادی از شهیدان میرسالاری

خواب آمریکا را آشفته کردند!

شورای اسلامی روستا بود. سید ابوالحسن به برگزاری دعای کمیل اهتمام ویژه‌ای می‌ورزید و با دستاوش دعای توسل و دعای کمیل در خانه‌های اهالی روستا بر گزار می‌نمود و روستا به روستا می‌رفتند و برای ایجاد وحدت، دعا را هر دفعه در منزل یکی از اهالی روستا می‌خواندند.

در سال ۱۳۶۱ به جبهه رفت یکبار از ناحیه پهلوی چپ مورد اصابت ترکشی قرار گرفت و مجروح شد. نامه‌هایی که قبل از شهادت نوشت، همگی حاکی از این بودند که شهادت خویش را پیش‌بینی کرده است.



در نامه‌ای نوشته بود سلام مرا بسیار بسیار به دخترانم برسانید و سفارش از حالات و بخشودگی می‌نموب و سفارش کرد که صبر داشته باشید و در غم من بی‌تابی نکنید. در نامه‌ای از شهید دو شب مانده تا عروجهش هشت بار نوشته بود محافظ خود را از دست بدارم.

شهیدی که خواب را از آمریکا گرفت
شهید موسوی دامغانی که از آگان سپاه جنوب و نماینده مردم رامهرمز بود، در مورد شهید سیدابوالحسن گفته است: شهید ساداتی در جبهه خواب را از آمریکا و هم‌زمانش گرفت. در وصیتنامه شهید سفارش‌های خطاب به مسئولان

یادی از دکتر مجید شه‌پری‌اری به مناسبت سالروز تولد و شهادتش

شهید

ماه آذر

دومین شهید دانشمند هسته‌ای کشورمان «دکتر مجید شه‌پری‌اری» در ۱۶ آذر ۱۳۴۵ در زنجان به دنیا آمد و در ۸ آذر ۱۳۸۹ در تهران شهید شد. اما در ۲۴ سالگی که از خدا عمر گرفت؛ در عرصه جهاد علمی آنچنان خوش درخشید که تا سال‌های سال می‌توان از خدمات علمی و پژوهشی او نوشت و خواند...
وقتی صدای آذان را می‌شنید...
پدرش معلم بود و مادرش بانوی خانه دار و معتقد. به دلایل محیط مذهبی خانواده، از پنج سالگی نماز خواندن را یاد گرفت و از هشت سالگی اموختن قرآن و معارف دینی را هم در مسجد محله و در خدمت حاج آقای سلیمی شروع کرد.
همیشه در‌سش خوب بود و شاگرد اول می‌شد. از نوجوانی به کوهنوردی و فوتبال علاقه داشت. اما از همان زمان مقید بود که وسط بازی فوتبال و در اوج هیجان، وقتی صدای آذان را می‌شنید بازی را رها کند و برای نماز به مسجد برود. در مقابل اعتراض دوستانش برای ترک بازی هم می‌گفت: «گفته بودم تا سر آذان میام بازی...».
مجید هیچگاه دین و علم را جدا از هم نمی‌دانست. سال ۱۳۶۳ دبلیشم را که گرفت و در کنکور که شرکت کرد، با بهترین رتبه در رشته مهندسی الکترونیک در دانشگاه صنعتی امیرکبیر قبول شد. به این شکل دوران زندگی پر تلاش علمی و دانشگاهی‌اش آغاز شد...
دانش‌پس در دستان روزمنده
آقای‌مجد در دوره لیسانس از جبهه رفتن غافل نبود و دو بار توفیق شرکت در عملیات را پیدا کرد، که یکبارش عملیات مرصاد بود.
اما در دانشگاه و در طول ترم وقتی مشاهده کرد که دانشجویان روزمنده به دلیل کثرت حضور در جبهه از دروس عقب می‌افتند و در دروس پایه ضعیف هستند، با مشورت دوستان چاره‌ای برای این مشکل پیدا کرد. دور هم نشستند و طرحی را برنامهریزی کردند تا براساس آن نهادهای در دانشگاه ایجاد شود برای جبران عقب‌ماندگی‌های درسی دانشجویهای روزمنده.
آقای‌مجد در این نهاد بیشترین فعالیت را داشت. هم کلاس‌های جمعی برگزار می‌کرد و هم در خوابگاه کلاس‌های دو، سه نفری. خلاصه تمام تلاش خودش را در هر کلاس و در هر دوستان روزمنده‌اش پیاپی بنیاید. او جهاد علمی را هم‌طراز جهاد نظامی می‌دانست.

برایم مهم نیست دو سال بزرگ‌تری
آقای‌مجد بعد از گرفتن لیسانس در رشته مهندسی هسته‌ای دانشگاه شریف قبول شد و مشغول تحصیل در این دانشگاه شد. درست در همان زمان یکی از کارمندان بخش اداری دانشگاه امیرکبیر را دید که در دانشگاه‌شرف (رشد) فیزیک هسته‌ای) تحصیل می‌کرد. خانم بهجت قاسمی. صلات، سخت‌کوشی و اعتقادات محکم این دختر خانم شدیدا مورد توجه آقای‌مجد قرار گرفته بود. خانم قاسمی از قضا گاهی هم‌کالسی‌هایش را به

امامزاده میرسالاری(ع) یکی از مشهورترین و باکرامت‌ترین امامزادگان جنوب است که همراهه ملجا و پناهگاه شمار زیادی از دوستداران اهل‌بیت(ع) بود. ساله و تبار طایله بسیار باهفت و هفت واسطه به حضرت باب‌الحواج امام موسی‌الکاظم(ع) منتهی می‌شود. بقعه امامزاده در شمال طالع گمرکی روستای دره رزد فارس نزدیک از توابع شهرستان کنگیگلوپه واقع شده است. نوادگان این امامزاده گرمی با عنوان سادات میرسالاری یکی از طوایف مستقل کوچرو مناطق فارس تا لایل قرن بیستم بود که تقریباً ۸۵ درصد جمعیت آن را شامل می‌شد. بعدها این طایفه ساکن شدند و سادات میرسالاری در مناطق مختلف پراکنده شدند از جمله در بختیاری، فارس، خوزستان و کشورهای حوزه خلیج فارس و عراق.

در رتبه دوم سادات در حوزه جنوب کشور هستند. سادات میرسالاری شهیدای والامرتبه و گرانقدری تقدیم انقلاب اسلامی ایران نموده‌اند. در کتاب زنده و ارزشمند هشتمین مهتاب که توسط سید کاظم مطلوبی میرسالاری گردآوری شده، مروری بر زندگینامه و وصیتنامه سرداران و ۱۱۰ سادات سادات میرسالاری ذکر شده است.
برش‌هایی از زندگینامه و وصیتنامه چند شهید والامقام از سادات میرسالاری را بر اساس مطالب کتاب هشتمین مهتاب می‌آوریم. در جنگ تحمیلی به دست آوردیم، مرور می‌کنیم. آقای سید ابراهیم میرسالاری در فرهنگیان سابقه و ساکن اسلامشهر در استان تهران هستند.

همراهان ابدی
برادران شهید سیدعزیزالله میرسالاری و سید ابوالحسن میرسالاری(ساداتی) و پسرعموهایشان شهید سید نورالله میرسالاری(پیماد) و شهید سید غلامرضا میرسالاری(باب‌بدست) ساکن روستاهای ابوالفارس در شهرستان رامهرمز استان خوزستان بودند. این چهار شهید بزرگوار همگی همراه، همدم و یار و یاور یکدیگر در امور مختلف بودند.
این سادات عظیم‌القدر همگی شدیداً مقید به عشق و محبت مستحبات و دارای چهره معنوی و نورانی و همچنین عاشق امام حسین(ع) و نهضت حسینی، شیفته ولایت‌فقیه و دلاده شهادت بودند و همگی در عنوان جوانی از تنگنای مایهت گذر کرده، دست از جانت و عاشقانه و آگاهانه از خاک به افلاک و از فرش به عرش پرواز نموده و تاج پرافتخار شهادت بر سر نهانند. اکنون نیز مزار چهار شهید همجوار یکدیگر در بهشت شهیدای شهرک شهید رجایی ابوالفارس است.

مبارزه با طاغوت
سید عبدالرضا میرسالاری (باب‌بدست) از علما و بزرگان و مصلحین در شهرک شهید رجایی ابوالفارس بود. ایشان در دوران طاغوت نقش بسیار زیادی را اگاه نمودن مردم منطقه داشت به همین خاطر بارها مورد بازجویی ساواک قرار گرفت اما هیچ‌گاه از وظیفه انقلابی کوتاه نمی‌آمد.

چهار شهید بزرگوار نیز با برچمداری سیدعبدالرضا در مبارزات ضدطاغوت مشارکت فعالی داشتند و توسط ساواک بازداشت و بازجویی شدند. در یکی از دستگیری‌های این سادات بزرگوار را سوار ماشینی کردند و یک تصادف ساختگی به وجود آوردند که طی آن سید عبدالرضا به همراه برادرش سید یلله به شهادت رسیدند. فرزندان این دو شهید گرمی نیز در این حادثه مجروح شدند و سال‌ها بعد در جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند.
شهیدای مؤمن انقلابی
بعد از پیروزی انقلاب این چهار شهید عزیز در مراسم مذهبی و انقلابی حضور چشمگیری داشته و بسیار فعال بودند. مراسم محرم، ربیعین و صفر هر ظهر و شب در یکی از منازل روستا توسط محرم حجت‌الاسلام حاج عبدالحمید که از بهپهان می‌شد، بر گزار می‌شد و این چهار شهید بزرگوار جزء خادمان ابی‌الله (امام حسین) بودند و به همه مردم ولایت‌مدار روستا همکاری ویژه‌ای در برپایی عزاداری ارباب کر بلا داشتند.
بعد از محرم و صفر، سایر مراسم مذهبی مانند میلادها و شهادت‌های معصومین(ع) در امامزاده روستا به نام امامزاده عباسی در جوار مزار سادات جلیل‌القدر مانند سید عبدالرضا و سیدیدالله بر گزار می‌شد.
سید شکرالله نوابی، نائب شهیدان سید عزیزالله و سید